



## تخصصی شدن علوم در حوزه های علمی



حراست از قنات مکتب و حفاظت از مرزهای اندیشه از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزیدند.

به سخن مرزبان بزرگ اندیشه علوی شیخ طوسی بنگرید:  
علمای بزرگ ما - خدای آنان را در رحمت بیکران خویش  
غرق سازد - چه آنان که در قدیم بوده اند و چه آنان که  
سپس آمده اند، همه در باره پیدا کردن دلیلهای زمان پسند  
و آنچه طبیعت زمان اقتضا می کرده است، تا نهایت درجه  
ممکن کوشیده اند و پیش تاخته اند، و در برابر دیگران و  
مخالفان موضع آگاهانه داشته اند. چون همواره شبهه ها و  
مسائل تازه ای القا می شده است، از این رو آنان نیز  
آگاهیها و دلیلهای تازه ای برای حقانیت حق عرضه  
می کرده اند.<sup>۱</sup>

بیان شیخ طوسی از چگونگی موضع عالمان، مبین مواضع  
دانشوران اسلامی در بسیاری از ادوار تاریخ بوده است. تبیین  
احادیث و روایات ما - که اینک به تفصیل از آن نتوان یاد کرد  
- از جایگاه عالمان نیز چنین است. برای نمونه دقت کنید که از

دستبرد حوادث و تاراج عوامل گوناگون را دیده بانانی  
هوشمند و مرزبانانی گوش بزرگ می بایست تا تهاجم افکار  
باطل را سد کنند، یورش عوامل مخرب را باز پس زنند و از  
تباهی فرهنگ و درهم ریختن بنای تفکر مکتبی جلو گیرند.  
دیده بانانی هوشمندانه و مرزبانانی شکست ناپذیر نیز در  
گرو آگاهیهای لازم از هجومهای دشمن و ابزارهای گوناگون  
آن است. بی گمان بدون آنچه یاد شد، در مصاف اندیشه ها و  
در کنشاکش فرهنگها، شکست و هزیمت و از دست دادن  
فرهنگ، قطعی است.

سلف صالح حوزه های علوم اسلامی در روزگار گذشته با  
توجه به نیازهای زمان به تعلیم و تعلم می پرداختند و با کسب  
آگاهیهای لازم از دانشهای مختلف در جایگاه حراست از  
قنات مکتب و ارزشهای انسانی، هوشمندانه می کوشیدند و

امام صادق - علیه السلام - نقل شده است:

علماء شیعتنا مرا بطون فی الشجر الذی ینبئ ابلیس و عفارته...<sup>۲</sup>

علمای شیعه مرزداران مرزهایی هستند که ابلیس و عفرتهای او از آنجا حمله می کنند. آنان سپاه ابلیس را از هجوم بردن بر ناتوانان شیعه باز می دارند و از چیره شدن ابلیس و پیروان دشمنخوری او برایشان جلو گیری می کنند.<sup>۳</sup>

امروز نیز اگر عالمان و حوزویان بخواهند رسالت تفسیر مکتب، حراست از تمامیت آن و جلوگیری از هجوم فرهنگهای مختلف را به شایستگی بر دوش کشند، هیچ چاره ای جز مجهز شدن به دانش زمان و مسلح شدن به سلاح روز و آگاه گشتن از شیوه های مبارزه فکری و روشهای کارآمد مقابله ندارند. چه، به گفته علامه شرف الدین: «لا ینتشر الهدی الا من حیث انتشر الضلال».

اجرای این رسالت در گرو آن است که دانسته شود که اینک با گسترش دامنه دانشهای بشری و رشته های گوناگون علوم انسانی و گره های فرهنگی و فکری دیگر به «جامع الفنون» اندیشیدن برای همه طالبان علم خطاست و بر فرض که برای افرادی نابغه ممکن باشد، نادر است و به قول سعدی «بر نادر حکم نتوان کرد».

باید فاضلان با آگاهی از جاریهای زمان به سوی تخصص در رشته های مختلف اسلامی و انسانی به پیش روند و با مجهز شدن به بهترین و آخرین شیوه ها و روشهای تعلیم و تعلم و کاویدن آخرین دستاوردهای متفکران نحله ها و جریانهای فرهنگی و فکری در جایگاه دفاع از مکتب و تفسیر راستین اسلام بایستند.

بنابراین تخصصی شدن ابواب يك علم، چه رسد به علوم، در حوزه ها کاری است لازم؛ و بسیاری از بزرگان نیز ضرورت و اهمیت آن را گوشزد کرده اند. حضرت آیت الله العظمی اراکی - مد ظله - می گویند:

مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری می فرمود: چون ابواب فقه خیلی متشتت است و اقوال و ادله عقلیه و

تقلیه و اجماعاتش تتبع زیاد و افراد سریع الذهن لازم دارد و عمر انسانی کفایت نمی کند که در پنجاه باب به طور شایسته و آن طور که باید و شاید، تحقیق شود؛ پس خوب است برای هر بابی يك شخصی متخصص بشود...<sup>۴</sup>

همچنین استاد، محمد تقی جعفری می گوید:

مرحوم آیت الله آقا سید عبد الهادی شیرازی بسیار مرد روشنی بود. آن زمان در نجف من خدمت ایشان مسأله تخصصی شدن ابواب فقه را عرض کردم. ایشان فرمود: «درست است باید دنبال مطلب را گرفت.» من خدمت ایشان عرض کردم امر دایر است بین اینکه شخصی در تمام ابواب فقه مجتهد شود، اما در این اجتهاد فقط به روایتهای دم دستی اکتفا کند و بین اینکه در يك بخش - مثلاً مکاسب یا اراضی - مجتهد شود، اما در باره آن کاملاً فحوص کند و نگذارد چیزی باقی بماند؛ کدامیک از این دو اقرب به واقع است؟ ایشان فرمود: «مسلم این دو می»<sup>۵</sup>

شورای مدیریت حوزه علمیه قم، به تازگی به امر تخصصی شدن علوم در حوزه همت گماشته و برنامه شش رشته تخصصی را ارائه داده و کار خود را در دو رشته «تفسیر» و «کلام» آغاز کرده است. بی گمان اقدام شورای مدیریت حوزه علمیه، اقدامی است شایسته، ستودنی و قابل توجه. اینک فاضلاتی که دوره سطح در حوزه علمیه را به پایان برده و در امتحانات کتبی پایه نهم قبول شده اند، می توانند طی يك دوره چهارساله، به گونه تخصصی در یکی از این دو رشته به تحصیل پردازند. ضمن قدردانی از این اقدام خداپسندانه و لازم، یاد آوری می شود که حوزه دینی در دل کویری نیست که حصاری بر خویش تند و بی دغدغه از فراسوی دیوار بلند جدایی به زندگی آرام و بی تشویش خود ادامه دهد. نه ترسی از تهاجم فرهنگها داشته باشد و نه باکی از مرگ در زیر چرخهای چموش تمدنهای رنگارنگ و جوراچور. حوزویان خود واقفند که شتاب روز افزون دانش، روزگار دیمی کاری را به سر آورده است و بی روش، کار به سامان

رساندن را نمی پذیرد و باید عقلا و دلسوزان قوم، اندیشه خویش را به کارگیرند و با گردآوری تجربه ها و دستاوردها راه را از چاه بازشناسند و بشناسانند.

با توجه به رسالت حوزه ها و عنایت به آنچه در این نوشتار آمد - که بی گمان از دید آن بزرگواران به دور نیست - باید آنچه تدریس می شود همگام با زمان و با توجه به آنچه درباره این موضوعات اینک به عنوان سؤالات و شبهه های جدی می گذرد، باشد. در رشته کلام - که فلسفه وجودیش پاسخ به شبهه هایی است که در باره دین، چرایی آن، انتظار از آن و ... مطرح است - باید گردانندگان، مدرسان و برنامه ریزان با حوصله تمام و دقت فراوان و وسواس علمی جریانهای فرهنگی، مکتبهای مختلف، شبهه ها و گرهمها در باره تفکر مذهبی را شناسایی کنند و دانش پژوهان این رشته را با اینها و پاسخهای درخور و شیوه های تحلیل و تحقیق و رویایی مجهز سازند.

در باره قرآن و تفسیر آن نیز دهها موضوع پژوهش نشده، سؤالات جدی و شبهه های فراوان از سوی مستشرقان، پروژه به شیوه نگرش شیعی بدان در قالبهای مختلف به عنوان هجومی جهتدار مطرح است که دانش اندوزان این رشته باید به ژرفی با این همه آشنا شوند و توان آن را بیسایند که به گونه ای استوار و کارآمد در جهت نشر معارف قرآن و حراست از حرمت آن تلاش کنند. در بهره وری از استادان و مدرسان نیز باید سعه صدر را پیشه ساخت و از آشنایان به فرهنگها و مکتبها و اندیشه های مختلف سود جست و از عالمانی که اندیشه ها و آراء مختلف را از سرچشمه های اصلی به دست می آورند، و نه از منابع دست چندم، استفاده کرد.

بهره وری از شیوه های روزآمد تعلیم و تعلم و تدریس و آشناسازی همزمان دانش پژوهان به نگارش و تهیه رساله ها و جزوه ها در موضوع مورد بحث نیز می تواند کمک شایان توجهی در ژرفایی و استحکام آموزش باشد.

آخرین سخن اینکه چون هنوز زمینه فرهنگی شایسته ای در این باب و در چگونگی آن در حوزه ها به وجود نیامده است ؛ بنابراین آینده پژوهش برای طرح دیدگاهها و اندیشه های فرهیختگان و دانشوران در این زمینه آمادگی خود را اعلام می دارد. امیداست از تضارب سالم افکار و اندیشه ها نتیجه سودمند فراهم آید. طبیعی است که باید با ارائه رهنمودهای دقیق و برخاسته از تجربه های ممتد استادان حوزه و دانشگاه، این امر مهم راه کمال بپیماید و نتیجه کامل از آن به بار آید. انتقاد سازنده مفتنم است و عیبجویی و کارشکنی و حتی «از دورهم دستی بر آتش نداشتن»، کار بی هنران و غیر متعهدان.

از خداوند سبحان توفیق روز افزون دست اندرکاران این امر بسیار لازم و شایسته را خواهانیم.

والله من وراء القصد

آیند پژوهش



مجموعه مقالات علمی و پژوهشی

پژوهشها،

۱. شیخ آقا بزرگ، ص ۱۹.
۲. منیه المرید، ص ۱۱۷.
۳. الحیاء، گرداننده پاریس، ج ۲، ص ۳۲۴.
۴. مصاحبه با استاد بزرگوار آیت الله اراکی، ع، حوزه، شماره ۱۲، ص ۴۰.
۵. مصاحبه با استاد، آیت الله محمد تقی جعفری، ع، همان، شماره ۱۹، ص ۳۷ و ۳۸.

